



دروجنا حی

فرهنگی

حستنه

لعله

مطابق جون ۱۳۸۹ جوزا ۲۰۱۰

جام

سال سوم

صفحه اول

دوم

شماره

جوانان رسالتمند، جامعه سعادتمند

مولوی نورمحمد بهره مند

آنچیزیکه میتواند مصائب دیرینه این جامعه راحل و زمینه را برای پیشرفت و تکامل اجتماع مساعدسازد بدون تردید همانانتریبه سالم نسل جوان و آراسته نمودن آنها بازیور علم و داشت است. مسئولیت و رسالت عده والدین و اولیای امور کشوراست تازمینه را بخاطر فراگیری تعلیم و تربیه برای نسل جوان آماده سازند برای آنها فرصت های واقعی اندیشیدن، تفکر و ابراز نظر را غرض نهادینه سازی جامعه رسالتمندو بخورد از نسل دارای ظرفیت گفتگواز لحاظ اجتماعی، علمی و سیاسی مهیا کرده تازندگی اجتماعی باقشر متحول، دان او مسئول به طرف رشد و انکشاف تحول پیدانماید.

بزرگان به عنوان قشر پر تجارت و بحیث یک رهنمای موثر جوانان زمینه های کاریابی و مصروفیت های سازنده و سالم را برای جوانان مساعد ساخته نه اینکه تحت نام بی تجربه و یا کم تجربه باعث مانع حضور شان در صحن های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی وداری گردند.

ادامه در صفحه ۳

طرح نهاد های جامعه مدنی و کمیسیون مستقل حقوق

بشر غور به خاطر برگزاری انتخابات شفاف

نهادهای مدنی و کمیسیون مستقل حقوق بشر غور همواره در مسائل ملی و مردمی موقف واضح و روشن خویش را به خاطر تعیین هرچه بیشتر خواست و اراده مردم اظهار نموده و تلاش کرده اند تا به عنوان یک بازوی مفید و موثر در کنار مردم و نظام بایستند و برای حاکمیت قانون و تامین صلح و امنیت مبارزه نمایند. امروز هم در این شرایط حساس به منظور برگزاری انتخابات شفاف و دموکراتیک و تحکیم پایه های دولت و تبلور اراده مردم این طرح را به مقامات مسؤول تقدیم می دارند تا از آن در این پروسه مهم ملی استفاده صورت گیرد.

۱- در عرصه امنیت:

- تلاش صورت گیرد که پولیس غور ملی شود یا حداقل پولیس محلی در زمان انتخابات به شکل موقتی و در حدی که عملی باشد، جابجا گردیده واژ یک ولسوالی یا محل به محل دیگر منتقل شود.
- از اردوی ملی کشور تقاضا صورت گیرد تا اقلای یک کنک را به خاطر تأمین هرچه بهتر امنیت انتخابات، به غور بفرستد تا آنها در نقاطی که احتمال تهدید و تقلب وجود دارد، جابجا شوند.
- افراد امنیت ملی نیز باید به خاطر جلو گیری از تقلب و یا تهدیدات امنیتی در نقاط آسیب پذیر مستقر شوند و مخصوصا در براب تقلب های باریکه همکاری کنند و درجهت افسای متقابلين نقش بازی کنند.

ادامه در صفحه ۲

معلم

در صحت

تهیه کننده برهان الدین علوی

تفذی مادر

در صورت که مادر قبل یاد را حمل مصائب به سوتغذی باشد در معرض خطر اختلالات و ولادتها مشکل قرار داشته و طفل با وزن کمتر به دنیا می‌اورده کمتر از ۵/۲ کیلو گرام این اطفال میتواند نمود آهیسته داشته به امراض قلبی مصائب باشند و یا حتی در معرض خطر مرگ قرار داشته باشند خانم های که در سن باروری قرار دارند باید رژیم غذای صحی داشته مقدار زیاد مایعات مصرف کنند و از نمک آبی دین دار استفاده نمایند در زمان حمل و شیر دهی ضرورت به انرژی و مواد غذایی زیادی می‌باشد اگر خانم های در این مراحل به صورت درست تغذیه شوند اطفال آنها رشد نورمال خواهند داشت در وقفه بین ولادت ها خانم احتیاج دارند تاضیاعات بدن و ذخایر انرژی شان را دوباره تکمیل نمایند غلبای مادران زیاد غزانی خورند و ضرورت اطفال و شوهران خود را در اولویت قرار میدهند درین موارد از شوهر و اقارب دیگر تقاضا شود که خانم را تشویق کند تا تغذیه مکمل داشته باشد برای آنها توضیح شود که اگر مادر به صورت مکمل تغذیه نشود طفل صحت مند به دنیا آورده نمی تواند.

تفذیه با شیر مادر

تغذیه به طفل باشیر مادر باید هرچی زودتر در ظرف یک ساعت بعد از ولادت اغاز گردد در چند روز اول بعد از ولادت از پستان مادر فله افزای می‌شود فله یک ماده زرد زنگ بوده که نسبت به شیر غلیظ ترمی باشد این ماده برای طفل معافیت را به مقابل ویروس و بکتر یها ایجاد می کند شیر مادر حاوی تمام مواد غذای است که طفل در شیش ماه اول عمرش نیاز دارد این شیر بزودی و آسانی هضم شده و حتی ضرورت به آب دادن طفل درین شش ماه نیز احسان نمی شود شیر مادر شامل فیصدی کافی و یاتامین های آهن آب مواد ضد مکروبی می‌باشد بر علاوه محبت را بین طفل و مادر زیاد می‌سازد تغذیه باشیر مادر باعث می شود تا از حمل بعدی جلوگیری به عمل آید.

سارارضائی

سمع کتابچه اش را برداشت و با جگر خونی گفت: پدر جان میگی نوشته کو! ده کدام جای ازی کتابچه بنویسم بعد کتابچه را پیش پدر ش آورده برگه های کتابچه را پس از دیگری ورق زده با پیشانی ترشی گفت: بیین!! هیچ ورقش خالی نیست که ده او بنویسم فلم ندارم پنسلم که خیلی کوتاه شده بود او اطرافش انداختم. معلم هیچ چیز نمی گفت، که از آن طرف مادر سمع صدا کرد: سمعی جان پدرته جگر خون نکو باز ماش که گرفت بربیت کتابچه فلم هر چیزی دیگه می خر. سمعی برخاست و کتابچه اش را دور انداخت و گفت: برو برو وله اگه مکتب بورم باز ماش خودم که بگیره می گه کرایه خانه ره داده، آرد خریده که مچوم قرصداری دکانداره داده هیچ وقت مثل دیگرا مه صاحب یک فلم و کتابچه صحیح نبودیم بعد پشت دستاش را به چشمانش مالید و با صدای بلند گریه کرده از خانه بیرون رفت و به گوشه حولی نشسته زانوی غم را بغل زد. معلم که ورق های امتحان شاگردان خود را برای اصلاح در دستش گرفته بود، از ورسی نگاهی به سمعی انداخت و ورق هارا به زمین گذاشت و دو دسته از شفیقه هایش معلم گرفت و پیش خود فکر می کرد که سمعی راست می گوید هر وقت معاش گرفته می شود هزار و یک مشکل در این زندگی وجود دارد که مشکلات سمعی در ازدحام مشکلات کم شده و نادیده گرفته می شود. آخر اولین باری نیست که با این وعده و عید ها او را به صیر دعوت می کند. اما تا کی؟ معاش معلمی هم که تکافوی این همه جنجال در زندگی را نمی کند. کاری دیگر هم که پیدا نمی شود اگر هم شود همه کسانی به سر کارهای پر درآمد هستند که یا واسطه داشته است. یا که انگلکیسی و کامپیوتersh خوب است. مه چه کار می تانم به جز معلمی؟ اگه کارهم پیدا شود نصف روز معلمی نصف روز هم در کار شخصی پس چه وقت مشق و امتحان شان را بیبینم. آخر من در برابر اولاد وطن مسئول هستم و هم در برابر خانواده خود. سورتش را به سوی آسمان بلند کرد اما به جز چند چوبی که از تنه درختان بریده شده و دود گرفته با فاصله بوریابی کهنه سقف را ساخته بود، چیزی دیگری را نمید. در این لحظه صدای نرگس را شنید: معلم؟ به چه فکر می کنی خدا بزرگ اس غصه چه فایده داره چند روزی دیگه وقت معاشت می رسه اونه بخیر کلی مشکل حل می شه پشت سمعی هم نگرد اوم او شنیک اس خیره یک لاظه گریه می کنه باز میره سر بازی خود.

اما خود نرگس هم به این گفته هایش اعتقاد نداشت چون میدانست که جنجال های زندگی آنقدر زیاد است که نمی شود با این حقوق معلمی حل شود اما چاره نیست باید معلم را دل داد تا بتواند دو روزی از سختی های زندگی اش را تحمل کند.

علم با نگاهای خسته و بی نورش به نرگس خیره شده گفت: نرگس جان مه می فامم که تو گذشت داری، مره خودت کالاشویی همسایه هاره می کنی که صد دو صدی بربیت می ته. اما هرچه فکر می کنم به کدام نتیجه ای نمی رسم گیج می شم خوابم می گیره. مام می فامم، توم می فامم که ای معاش معلمی ره به جای رسانده نمی تانیم اینمی حالی از تمام مردم ما قرص دار هستیم.

ادامه در صفحه ۳

طرح نهاد های جامعه مدنی و کمیسیون مستقل حقوق بشر غور به خاطر...

ب) بخش کمیسیون سمع شکایات

- بهتر است که افراد شایسته، کارفهم، دلسوز، توانا و شجاع در کمیسیون سمع شکایات انتصاب شوند تا بتوانند شکایات را به صورت درست و بدون ترس و هراس به مقامات بالایی انتقال دهند.
- کمیسیون سمع شکایات باید دربرابر زورگویان و متقابلين موقف قاطع اتخاذ نماید و طوري نباشد که مانند دفعه قبل، مردم اصلا از وجود کمیسیون سمع شکایات اطلاع نداشته باشد.
- کمیسیون سمع شکایات باید نهادهای دولتی، زورمندان، ناظران و تمام جوانب ذی دخل را تحت نظر داشته باشد.
- کمیسیون سمع شکایات باید شکایات را به موقع معین به مراجع مربوط برسانند تا تصامیم لازم عندموقع اتخاذ گردد.
- در انتخابات قلی، کمیسیون سمع شکایات و در مجموع دولت دربرابر متقابلين عکس العمل نشان نداد و این باعث چشم سفید شدن بیشتر زورگویان گشت، لذا این بار باید درمورد نقلب برخورد جدی صورت گیرد و آرای تقلیبی باطل شود.
- تبلیغات انتخاباتی کاندیدان همین حالا از طرق مختلف آغاز شده که خلاف قانون است و مراجع مربوط باید در این باره واکنش جدی نشان دهد.

ج) دربخش فیفا:

- فیفا نیز دراستخدام ناظرین باید اصل شایستگی را جدا در نظرداشته باشد
- فیفا باید ناظرین خود را به صورت درست آموزش بدهد تا در جریان انتخابات مانند گذشته اخلاص صورت نگیرد و بی طرفی نیز رعایت شود.
- فیفا باید نهادهای مدنی را به عنوان پارتیزرن پیذیرد تا آنها در شفافیت بیشتر انتخابات کمک نمایند و نهادهای مدنی نیز بالمقابل درجهت برگزاری انتخابات سالم سهم شان را ادا نمایند.
- فیفا باید دربخش مسایل مالی مانند گذشته عمل نکند و به خاطر اینکه سروصدای ها به پا نشود تدبیر لازم در نظر گرفته شود.
- فیفا باید ناظرین خویش را در تمام محلات بفرستند و مانند گذشته همه را دریک نقطه جمع نسازد و همچنین در استخدام ناظرین باید اصل عدالت اجتماعی را در نظر بگیرد.
- فیفا باید هنگام استخدام ناظرین به تمام نهادهای جامعه مدنی سهم قایل شود.
- فیفا باید ناظرین و تربیتی های خود را به صورت کامل استخدام نماید نه اینکه فقط در روی کاغذ از آنها استفاده صورت گیرد.

د) دربخش حکومت:

- دولت باید به تمام کارمندان ملکی و نظامی خویش تقویم نماید که در پروسه انتخابات بی طرفی خویش را کاملا حفظ نمایند.
- امکانات دولتی باید غرض کمپاین مورد استفاده کاندیدان قرار گیرد.
- کارمندان دولت نباید به صورت همزمان در دو جای وظیفه اجراء کنند و در کارهای دولت مانند معارف وغیره اخلال ایجاد نمایند.
- حکومت نیز باید از طریق ارگانهای کشفی خویش درجهت جلو گیری از نقلبات نقش اساسی به عهده بگیرد و با کمیسیون سمع شکایات همکاری نماید.
- سوء استفاده از امکانات دولتی که از همین حالا از جانب برخی از کاندیدان شروع شده باید به آن عاجل پایان داده شود.
- با نامزدهای انتخابات باید بدون تبعیض برخورد صورت گیرد و تسهیلات و امتیازاتی که برای بعضی ها به صورت غیرقانونی داده شده جدا از آن خود داری شود.
- وكلای فعلی پارلمان که خودشان را دوباره نامزد کرده اند، نباید از جهت تسهیلات، امتیاز متفاوت از دیگران به بگیرند.

ه) دربخش کاندیدان (نامزدها)

- کاندیدها باید طبق اصول و مقررات کمیسیون انتخابات رفتار نموده و از موارد مشکل ساز خود داری نمایند.
- کاندیدان باید ناظرین شان را بفهمانند که از اخلال در پروسه انتخابات خود داری نموده و مطابق صلاحیتهای خویش رفتار نمایند.
- کاندیدان باید خودشان جهت برگزاری یک انتخابات شفاف با مراجع مربوط همکاری نمایند و منافع ملی را قربانی منافع شخصی شان نسازند.
- کاندیدان باید از مواردی که باعث تبعیضات قومی، منطقوی، زبانی وغیره که موجب پراکندگی و نزاع در جامعه می گردد جدا خود داری نمایند.

خدا آن ملتی را سروری داد / که تقدیرش به دست خویش بنوشت

۲- در عرصه آگاهی عامه و تبلیغات

- کمیسیون و لایتی انتخابات باید در بخش مدیریت آگاهی عامه خویش بسیار دقیق بوده و مدیرفعال، کارفهم، دلسوز و بی طرف را استخدام نماید.
- مبلغین آگاهی عامه باید از میان افراد توانمند، کارا و بی طرف استخدام شوند تا بتوانند پروسه آگاهی دهی را به صورت درست به پایان رسانند.
- بودجه ای که برای آگاهی عامه توسط کمیسیون تطبیق می شود باید به صورت درست و مناسب و به موقع به مصرف برسد.
- پژوهه های کوچک آگاهی عامه که از طریق نهادهای مدنی تطبیق می شود باید در وقت و زمان خودش به دسترس آنها قرار گیرد.
- کمیسیون باید اوراق تبلیغات و رهنمایی آگاهی عامه را به وقت مناسب به مردم برسانند نه اینکه اوراق رهنمایی بعد از انتخابات به دسترس مردم قرار داده شود.
- به رسانه های محلی باید جهت آگاهی عامه نقش لازم و اگذار شود و کمیسیون باید در این رابطه برنامه های مشخصی روی دست داشته باشد.

- نهادهای مدنی و اجتماعی و مردمی باید در مورد آگاهی عامه و رهنمایی مردم نقش خویش را فعالانه بازی نمایند.

- علمای دین نیز باید در جهت ترغیب مردم به انتخابات شفاف از مساجد و منابر پیام شان را به ملت برسانند.
- کمیسیون باید دربخش آموزش ناظرین نامزدها، توجه لازم مبذول داشته و صلاحیتها و مسؤولیت های آنها را برای شان به خوبی بفهماند.
- کمیسیون باید به صورت جدی از کارمندان خویش در تمام پروسه انتخابات نظارت دقیق نماید.

۳- در عرصه برگزاری انتخابات شفاف

(الف) بخش کمیسیون انتخابات :

- الف) شفافیت انتخابات باعث رضایت و اعتماد مردم می شود لذا، باید کمیسیون افراد توانا، شایسته و بی طرف را در تمام روند انتخابات به ویژه درمورد ناظرین ساحروی، مدیران مراکز رأی دهی و رؤسای محلات استخدام نماید تا انتخابات به صورت شفاف برگزار شده باشند.
- کمیسیون نباید ناظرین ساحروی، مدیران مراکز و رؤسای محلات را از خود محل استخدام کند.
- همانگونه که در قانون انتخابات تذکر رفته، دقت کامل صورت گیرد که کارمندان انتخابات از وابستگان کاندیدها نباشند.
- جهت شفافیت بیشتر و جلب اعتماد مردم بهتر است که در زمان استخدام کارمندان انتخابات، کمیسیون با دقیق‌وناما، حقوق بشر و نهادهای مدنی و رسانه ها از نزدیک در تماس باشند.
- کمیسیون باید تمام مصارف مالی را که در وقت تبلیغات و انتخابات (مثل اگر فتن موز تبرای مبلغین و ناظرین وغیره) در نظر گرفته شده به وقت و زمانش به مصرف برساند تا حداقل کارمندان کمیسیون نسبت به پروسه انتخابات بی اعتماد نشوند و زمینه های تقلب را مساعد نبینند.
- در جای که تضمین امنیتی وجود ندارد، نباید صندوق گذاشته شود، زیرا این کار زمینه تقلب را مسترد می سازد.
- جهت شفافیت بیشتر انتخابات باید در نقاط دور دست غور سایت های بیشتری ایجاد شود تا مردم بتوانند خودشان در محلات را دهی بروند و رأی بدene.

جوانان رسالتمند . جامعه

معلم ...

ما قرصداری ها ره خلاص کنیم؟ کرایه خانه ره بتیم؟ بري او لادا لباس تهیه کنیم؟ خرج و خوراک شانه بتیم چه کار کنیم؟ سپس آهسته از خود پرسید: چه کار کنیم؟ گویا فکر تازه اي به ذهنش رسیده باشد، دوباره سرش را بلند کرد و از نرگس سوال نمود: نرگس!! يا بورم معلم مکاتب خصوصی شوم؟ نرگس جواب داد امنجه هم بدون واسطه کارت پیش نمی ره، امو بهتر که در همین مکتب دولتی به کاری معلمی ات ادامه بنتی.

معلم گفت: میدانی از وقت که مکاتب خصوصی بوجود آمده او لادای پولدار و بی پول هم از هم جدا شده پولدار به مکتب خصوصی می ره غریبا به مکتب دولتی ادامه درس می ته. که نی کتابچه داره بچه ما واری، نی فلم داره نی کتاب نو داره صفحه هایش کنده که روای درسی ره مختلف می سازه و نی کدام اززی داره تا درس های که بریشان می تم یاد بگیرند. تمام شانه که سی کنی به نحو مشکلات فقر از سر و روی شان پیداسته بعد با کف دستانش از عینک های زانوی لاغر شم می مالید گویا تمام توانش را جمع نموده و به حمایت از زمین برخاست و به سوی حولی رفت تا سمیع که هنوز هم اشک می ریزد و گاهی با شیطنت سرش را کمی از زانویش برداشته و گوشی چشمی نگاهی به خانه می اندازد تا معلم کی می اید و مشکلش را حل می کند.

معلم، با پاهاي اسکلتی اش قدم زنان کنار سمیع آمد نشست و لحظه اي به او نگرفت. سمیع تا آنجاییکه توانت سرش را بالایی زانویش فشار داده و صدای گریه اش را بلند نمود تا بتواند ترجم معلم را بیشتر برانگیخته کند. معلم دست نوازش را بالای سر سمیع کشید و گفت: بخی بچیم از دکان روبه روی خانه بریت یک کتابچه بخرم خدا مهرجان است، قرصداری را خدا خلاص می کند. سمیع تو ام با گریه جواب داد مه یک کتابچه لازم ندارم دو سه تا لازم دارم. معلم که گویا در آخر خط رسیده باشد به سمیع دلداری داده گفت: بخی بچیم هر چند لازم داری بریت تهیه می کنم. سمیع که اشکهایش را به پاک کرده شروع کردن کنایه آمیز گفت: واوه مه کی ره می بینم مثل اینکه معلم صاحب فهمیدی که لیست سوادای که کلا سفیدی برسش داشت با شادی کردن کنایه آمیز گفت: معلم با شرمداری گفت: می فام که شما ده حق ما بسیار لطف داشتین امی که ماش مه بگیرم باز بخیر اولین برنامه خلاص کردن دور نمی خوری" معلم با شرمداری گفت: یعنی تو امروز پیشه با خودت ناوردی که فرض داری هایته خلاص کنی؟ عالی او برادر اگه مه سرمایه دکانه ده قرصداری او کنم پس کدی چه کار کنم بعد با تشریف گفت: توم که بفام نی! سمیع از حالت که جریان داشت نا امید می شد. معلم نگاهی به سمیع اندراخ و دست به جیوهایش کرده سه چهار جیوهای کشت تا از یکی جیب های کورتی اش مقداری پولی را که بیشتر از پنجاه افغانی نمی شد بیرون آورده گفت: خی شما امی پیشه ره بگیرین بري سمیع سه تا کتابچه و اگه شده یک قلم پنسل بینین باز پول های دیگه تم ماش که گرفتم می یارم. مرد دکاندار دست خود را به هوای برد معلم و قاطع گفت: ماش!!! ماش معلمی ته ده کجا می رسانی؟ او بد بخت برو بریت کار دیگه بیدا کو که روزت بچله امی حالا تو کدی گذا چه فرق داری؟ بعد پنجاه افغانی کنه را با پانزده افغانی پول سیاه از دستان سیاه و لاغر معلم گرفت و گفت: گپ مره گوش کو از خفتی بیرون می شی؟ معلم که دور چشمانش را اشک حلقه نموده بود با تند تند مژه زدن کوشش کرده که رطوبت چشمانش را نریخته جذب چشمانش کند. لحظه

ای ساکت شد و بعد گفت: اگه مه معلمی نکنم او معلم معلمی نکند ما معلم ها معلمی نکنیم. سرنوشت او لاد وطن چه خاد شد؟ دکاندار خنده ای تلخی کرد و گفت: سرنوشت او لاد های بیسیار دار خو در آینده خوب خاد بود نی پس او لاد مه و تو مثل ما طبقه بی سواد و کار گر و

مزدوره تشکیل خاد داد امی طو که امروز سرمایه دارا همه چیزه ده چنگ خود گرفته که ما و شما شور خورده نمی تانیم فردا او لاد هایشان به جان اولادی ما و تو اینمی دکناتوری ره خاد پیش برد و بعد با نشخدن چند تا کتابچه ای که گویا از سلط زباله بیرون آورده باشد خاکی و با جلد شاریده و کنه ای را به دستان معلم سپرد و با ریشخند به معلم گفت: تو چیقه ساده استی معلم صاحب که هی خوده ده کاری معلمی بند کده رایستی که مه ده ملت خدمت می کنم مه ده دولت خدمت می کنم تو اول ده خانواده خودت خدمت کو بعدا ملت ته مامک بگی و پیشه ما بچاره هارم ایقه تال نتی! معلم کتابچه هارا گرفت و گفت: حالی از امو کتابچه های که ده پلاستیک پیچ اس بتی ای ره ببی چیقه خاک داره اینی گوش پوش کتابچه ام چیره اس. دکاندار نگاهی خود خصمانه ایلا کنین و بورین! معلم لحظه به دکاندار خیره شده و دستانش دستان سمیع را حلقه کرده و هردو بیرون شدند در راه که هردو قدم زده به سوی دروازه چوبی که از انتهای کوچه بنبست به چشم می خورد می رفتند. سمیع که هنوز هشت سال بیشتر نداشت برگشت و به پدرش گفت: دیدی پدر پول داشتی بره مه کتابچه نمی خردی؟ معلم آه کشید و آهسته گفت: او بیشه نان خشک که اسر پشت خاکهای نرم که به مرور زمان بالای آن نشسته، بود. و متوجه نشد که پدرش به او چه جواب داد. با

لبانش خنده معصومانه ای نقش بست و گفت: اینالی پدر جان ده خانه که رفتم کلی نوشته هایمه می کنم فردا معلمی هم دیگه به خاطر مشق نوشتنایم مره نمی زنه! اما معلم با یک دنیا درد و رنج قدم هایش را بر می داشت گویا آنقدر بار غم هایش کلان است که او را در زیر خود خم می سازد. اما معلم با گام های استوار به پیش می رفت و قدم های بعدی اش را بر می داشت. تا اینکه در راه که دروازه چوبی که رنگ های کنه فرسوده ای داشت وارد شد و سمیع به تعقیب پدر. در این لحظه ناہیده و وحیده هردو به راه پدرش دویده آمدند و فریاد کنان گفتند: به ما چه خردی که بري سمیع کتابچه خردی؟ معلم بجز دست نوازش چیزی دیگری نداشت که به دخترانش هدیه کند. بدون جواب وارد خانه شد و یادش افتاد که باید برگه های امتحان شاگردان را اصلاح کند تا شب نشده و اگر نه پیش نور الکن نمی شود که به تصحیح ورق ها پرداخت. بالا دشک نازک نشست. نرگس پشتی را در پشت معلم گذاشت و پک پتوس که بالای آن یک چاینک چای را از قبیل برای معلم آماده ساخته بود، پیش رویش کنار ورق های امتحان شاگردان گذاشت. معلم نگاهی به پتوس چای انداخت و به نرگس گفت: امي چاي که بري مه میاري بعد ازی فقط آب جوش بیار چرا که چای بري صحت مه مفید نیست. نرگس خوب درک می کرد که معلم چرا این تصمیم را گرفته است که بعد از این آب جوش بنوشد اما به رویش نیاورده گفت: به چشم معلم صاحب بعد ازی بریت آب جوش میارم بعد با کمی فاصله ای که بین صحبت هایشان واقع شد دوباره نرگس گفت: اگه راستشه بپرسی مام که چای بنوشم سر دلم درد می گیره اموزو خاطر جواب نرگس را بدهد مشغول تصحیح ورق های امتحان شاگردان شد. نرگس هم از جایش برخاسته به سوی آسپز خانه رفت تا برای شب کدام غذای را تهیه کند اما لحظه ای به پیرامونش چربید و هیچ چیز برای پختن نیافت هر قدر حریصانه به جستجو نمود باز هم نا امید در وسط آشپزخانه ایستاد ماند و به فکر فرو رفت تا اینکه به ذهنش رسید که باز هم حلوای سفید بپند اما تا کی تا حالا سه شب است که حلوای سفید کم روغن که بیشتر شبیخ خمیر می ماند. رفت تا آخرین آرد بوجی را ته کاسه ای کشیده حلوای بیزد اما کمی چرب تر تا همه او لاد ها امشب غذایشان را با میل بخورد. باز یادش افتاد که براي معلم گفته بود آرد خلاص شده باید امشب نان را از بیرون خرد کند، شاید پاش رفته خوب مهم نیست پادیش میارم. نرگس بعد از اینکه آرد را در کاسه انداخت، مشغول تهیه غذای شب شد.

علم بعد از اینکه چندین ورق امتحان را تصحیح نمود احساس کرد که هجوم افگار اورا نمی گذارد تا به درستی بتواند مشکلات روی برگه را به درستی برای شاگردانش بفهماند.

ورق هارا کنار گذاشت و آهسته با پیشش خوابید و دستان خود را بالای پیشانی اش قرار داد و به فکر فرو رفت. سمع تا تنگی غروب و آخرین امید روشنایی که از روز داشت نوشته هایش را انجام داد. ناهده و وحیده هم مشغول عروسک بازی خود شان بودند که یکی از عروسک هارا معلم ساخته و دیگری نقش شاگرد را بازی می کرد.

همه جا تاریک بود معلم آرام آرام به سوی قدم گذاشت که روشنی نور از آن سو می تایید تعدادی جمعیت هم در آنجا جمع شده و تعداد شان یک یک اضافه می شد معلم هم یکی بود که به جمع آنها می پوست. اما معلم نمی دانست که موضوع چیزی زمانیکه از کنار هر کدام از اشخاصی که ایستاد بود می گذشت همه به کنار رفته و فقط او را راه می دادند که از بین شان بگزد. معلم دلیل این ویژگی خودش را نمی دانست که این جمعیت زیاد به چه دلیلی به او احترام می گذارند. وقتی به انتهای جمعیت می رسید کسی اورا به بالایی صحنه صدا می زند و دستان او را گرفته از آن جا بالا می برد و قی معلم رو به جمعیت ایستاد می شود که همه شاگردانش هستند اما همه گی شان کلان شده و شخصیت های مهمی به نظر می رسد لبند بر لبان معلم نقش می بندد و آن شخص ناشناس که در بین همه فقط او را اینکه معلم نمی شناسد خطا به جمعیت می گوید: ما حالا گشده ای را در بین خود داریم که سالهای سال محضر خدمت بوده و بنیان گذار هستی فرهنگی ما و فدایکار اصلی که ثانیه ثانیه لحظات خوبی قربان ما نموده و شما را این چنین تاریک بود، هر کدام بر بلند ترین پست دولتی و غیر دولتی نشسته اید که در حقیقت این معلم شما را نشانده است اما خودش در آن تاریکی گم شده و اشارة در قعر باز کنید و ببینید که این چه راهی؟! می شناسید؟؟؟ اگر می شناسید چرا او را هم با خود ندارید، در میانتان نمی باشد و فراموشش کردید تا او هم از این روشنی که حقش است استفاده کند او معلم شماست که شما امروز هر کدام به جای ر

معلم، معلم، معلم... سیده و به پشت تان نگاه نمی اندازید که آیا او کیست؟ که شما را تا این روشنی ها سوق داده است. همه جمعیت با هم با یک صدا می گویند: صداها ادامه دارد و با شور و هیجان اشاره اش را به سوی معلم می برند. عرق پیشانی معلم را پر می سازد که نرگس معلم را از خوابش بیدار می سازد: معلم صاحب بخی نان آماده شده چیزه دیر خوابیدی نان بخو باز بخواب معلم از حال هوای خواب که دیده بود کم بیرون آمده و کنار دست رخانی نشست که در داخل آن فقط کاسه ای از حلوای قرار داشت و به دور و بر سترخوان زن و سه کوک که از لاغری به سوی شان دیده نمی شد نشسته بودند.

صورتش را دور داد به ورق های امتحان نگرفت و به یاد خوابش افتاد همان لبند روی صحنه که در خوابش بر لبانش رنگ بخشیده بود تکرار بر لبان نکیده و خشکش نقش بست و غذای که چند شب پی هم پخته شده بود با اشتها خورد و با خود فک کرد که روزی او شناخته خواهی شد و قدر زحمات او را مردم خواهد فهمید.

قلم بر حق خواهیم زد

عبدالبصیر

وطنم ترا دوست دارم ، در راه سعادت مندی ات تمام مساعی خویش را بزل می کنم . میهن عزیزم کاش همچون عقاب پر می داشتم و با پر زدن در کناره های آسمان آنانی را که با تو خیانت می کنند می دیدم و می دریدم ؛ هم وطن عزیزم پیکر نازنین وطنت خون آلد است خواهش می کنم از خواب برخیز و با تلاش های پیگیر به زخم های وطنت مرهم گذار. من باور دارم که فاسدین این وطن نازنین را چون متعاق به بازار بیگانگان عرضه کرده و عزتش را به دور انداخته؛ اگر جلو این وطن فروشان گرفته نشود روزی خواهد رسید که انسان های ساکن این وطن را خواهند بلعید. زیرا هر روز باب حکومت به هدف اختلاس باز می شود و تا پایان روز انواع رشوه ستانی ها و ... و حتا به آبرو و حیثیت انسان های این وطن که نعمت خدا داد است احترام گذاشته نمی شود و مقام و منزلت انسانی و موی سپید آدم های شریف این جامعه گرامی داشته نمی شود. به هر حال هرچه بگوییم باز هم در دلم خالی نمی شود . اما این وطن نازنین برايت از عمیق ترین نقطه قلم قول می دهم که اگر خواست خدا و یاری خدا فرزندت را حمایت کند و با سعی بلیغ و تلاش های پیگیر روزی به جای تفگ ؛ قلم بر حق خواهیم زد.

دکتوران شفای خانه و لایتی غور به شكل دست جمعی استفاده از

دکتوران پرسنل صحی شفای خانه ولایتی غور از اثربرخورد ناشانسته و غیرقانونی یکده از افراد پولس به شکل عمومی و به رسم اعتراض استعفای خویش را رسما به ریاست شفای خانه ولایتی غور سپرند این استعفای زمانی صورت گرفت که داکتر محمد داو دبجرم اینکه میخواست افراد پولس رانیز به قسم نوبت معاینه نماید به علت تاخیر در نوبت، بازداشت گردید و مدت چند ساعت تحت نظرت قرارداده شد و بوسیله وساطت دکتوران و محاسین سفیدان رها گردید. داکتر محمد گل دهقان پوریکن از دوکتوران فعل شفای خانه ولایتی غور میگوید این اولین برخوردن اسلام از طرف افراد پولس در مقابل دوکتوران و پرسنل صحی نیست بلکه چندین بار متاسفانه با آنکه دوکتوران و پرسنل صحی بدون سهل انگاری فعالانه و صادقانه شباب روز در خدمت هموطنان غرض تداوی و معاینه مریضان قرار دارند مردم تهدید و توهین یکده از افراد پولس خود سفر ارمیگرند و مسویین ذیصلاح پولس و زمامداران ولایتی در زمینه سکوت را بجای اقدامات قانونی با خاطر مجازات اینکوئه افراد که باعث ازبین بردن نظم و از اروانیت مردم میگرند اختیار نموده اند که اینبار دوکتوران و پرسنل صحی شفای خانه ولایتی غور ناگزیر با خاطر حراست از عزت و وقار خویش و مسلک خود و جهت مجازات افراد مخل نظم، استفاده اند.

دوکتور غلام نبی بگانه رئیس صحت عامه غور میگوید مشکل استعفا دوکتوران از طریق هیات تعیین شده ولایت غرض بررسی موضوع حل گردیده و فعلاً دوکتوران باعتماد و رضایت کامل کما فی الساقی بررس وظیفه محوله شان با خاطر خدمت به مردم و مریضان برگشته اند و عاملین قضیه تهدید داکتر داود به همکاری قوماندانی امنیه مورد باز پرس قانونی قرار خواهد گرفت.

ورقہ رسمیتہ برخور صحی نظرت
شفای خانه ولایتی غور.

ب کیا کے حکم شفای خانه ولایتی غور؟

حکم: متن عرض بگرد که جمعی از پرسنل نظرت دین شفای خانه ۱۴۰۶
وی انت کیانه روز در خدمت صدرانه و سلطانه در خدمت عدم مردم و
ویست ششم. راه طریکه حد در جوان حسین بزرگ حذین باد برخور صحی رهن
شفای خانه توسط کی عده از اراده خانه تک - درجه گوشی مورد توجه
تحفیز تحریم هیچ تراز گرفته نند. همین لحاظ ای رعایت هشتیت
هان رهاده کسر ریطا کار و مجازات شرکت میگذاریم امید موردناند شام و تاریخ
استغفار خبریں بخاتم حکم میگذاریم که میگذاریم امید موردناند شام و تاریخ
حسین.



dadfar@gmail.com-- ۰۷۹۷۰۳۱۵۱۶

osmany786@gmail.com--0797026508

مدیر مسئول: حامد الله دادر

سرد بیر: گل احمد عثمانی

معاون سردبیر: برهان الدین علوی

ویراستار: فضل احمد امینی

گزارشگران: تیمور شاه احمدی (۰۷۹۷۱۸۵۰۶۹) و گل آقا احمدی

طرح: خان محمد سیلاپ

هیات تحریر: استاد فایق عبدالستار سنجر، استاد محبوبی، محمد ناصرانوری و عطامحمد محمدی

تیراز: ۳۰۰۰

آدرس دفتر: ولایت غور مرکز چغچران

گزیده اخبار غور

- ✓ سالنامه شفای خانه ولایتی غور از چاپ برآمده و بدبستری علاقه مندان قرار گرفت.
- ✓ تحاکی تهیه شده از طرف ارگان ملی و اجتماعی به خاطر سهم گیری فعال PRT در بازسازی آینده غوریه نماینده کشور چاپان، نماینده سفارت امریکا، نماینده USID کشور لتوانیه، نماینده ملکی PRT رئیس سمیک PRT تحویل داده شد.
- ✓ رئیس کمیسون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی حوزه غرب گفت: تطبیق سیستم رتب در تمام نهادهای دولتی یکی پی دیگر تحقق می پذیرد.
- ✓ شورای صدای غور با خاطر حمایت از رادیو عدالت به اشتراک نماینده شورای ولایتی، همه نهادهای مدنی غور رسانه های آزاد غور بعد از دور روز حلسه در اتاق کنفرانسها کمیسون حقوق بشر در حالیکه نماینده انتربیز نیز حضور داشتند تاسیس و تشکیل گردید.
- ✓ کشور چاپان در عرصه ها مختلف آموزشی و رفائی مردم غور را با تطبیق برنامه های عام المنفعه مساعدت مینماید، سفارت کشور چاپان در افغانستان میخواهد به تعداد صد مردم کزآموزشی را در عرصه ارتقا از این طبقه ارائه دهد. راهنمایی آموزشی و حرفه ای در دور ترین و لسوالیها و قرادردست تطبیق نماید.
- ✓ به تعداد دو میلیون و سه صد ده هزار و چهارصد و سی نهال متمرد غیر متمرد در سرتاسر ولايت غور غرس گردیده است.

- ✓ تیم PRT غور کنفرانس مطبوعاتی بزرگ را به اشتراک تمام رسانه های غور تدویر نمود و درین کنفرانس قوماندان PRT نماینده سیاسی PRT رئیس ارگان PRT، قوماندان CIMIC، مشاوران کشاورزی PRT، مشاور سفارت چاپان در افغانستان، مسؤول بخش GAGP، مشاور سیاسی امریکا، مسؤول USID، مشاور زراعی امریکا در افغانستان و باقی بخش های مستقر در PRT به شکل مفصل از پروگرام های روی دست و فعالیت های خویش همراه با دست آوردهای PRT معلومات ارایه کرده و به سوالات خیرنگاران پاسخ دادند.

- ✓ شورای مردمی غور، ارگان ملی و اجتماعی و بنیاد جوانان و تحصیلکرد گان غور آقای جوادر رضائی رئیس دفتر ولایتی کمیسون مستقل حقوق بشر و آقای عبدالقدوس هویدار را که عضو فعال کمیسون مستقل بشری میباشد به پاس خدمات بشری دلسویانه شان همراه با همراهانگی صادقانه که با همه نهادهای مدنی و اجتماعی دارند مورد تقدیر قرار دادند.

- قوماندان سمیک PRT و دفتر سازمان ملل متحد محمد حسن حکیمی رئیس ارگان ملی و اجتماعی را مورد تقدیر قرار دادند

- ✓ مسول کمیته رسانه های آزاد غور ای مسولین رسانه های PRT روی مشکلات رسانه های آزاد و همراهانگی بیشتر ملاقات نمود.

- ✓ اهالی قریه شیخلمند به تشویق و همکاری شورای مردمی غور، ارگان ملی و اجتماعی و بنیاد جوانان و تحصیلکرد گان غور به تعداد بیش از بیست هزار نهال را غرس نمودند. گزارشگر تیمور شاه احمدی

شهرزادان عزیزا

❖ مقالات چاپ شده فقط نظریات

نویسنده گان است نه از جام

❖ ماهنامه جام در ویرایش خود را محق میداند.

❖ مطالب ارسال شده مسترد نمیگردد.

❖ نظریات و پیشنهادات سازنده شما راه کشای راه ماست.

❖ از همکاران قلمی که مطالب خود را به ما ارسال کرده اند سپاسگزاریم